دیدگاه شیعه در تعریف عبادت

سید مصطفی هاشمی

مقدمه:

گام نخست در تحقق باور توحیدی، دانستن معنای توحید عبادی که یکی از اقسام توحید است. اندیشمندان شیعی در طول تاریخ همواره به این نکته توجه داشته اند و با تعاریف مختلف به تبیین معنای توحید عبادی پرداخته اند. اما با ظهور جریان وهابیت، تعریفی جدید از توحید عبادی ارائه شد که جز تکفیر مسلمانان و شکل گیری جریان های افراطی ثمره ای دیگر به همراه نداشت.

در این نوشتار ابتدا انحراف وهابیت نسبت به تعریف توحید عبادی و نتایجی که بر تعریف آنان مترتب است بیان می شود و سپس دیدگاه شیعه به عنوان نقد دیدگاه وهابیت تبیین خواهد شد.

تعریف توحید و عبادت از نگاه وهابیت :

محمد بن عبدالوهاب در تعریف توحید می نویسد: «"اعلم رحمك ا أن التوحيد هو إفراد ا سبحانه بالعبادة":[1]بدان (خدا رحمت کند تو را) که توحید به معنای یگانه دانستن خدای سبحان در عبادت است».

این تعریف از سوی موسس وهابیت که دیگر وهابیان نیز به تبع وی آن را نقل کرده اند، همانطور که در جای خودش بیان شده،[2]تعریفی ناقص از توحید است و تنها شامل یک قسم از اقسام توحید می شود. اما اشتباه وهابیان به همین جا ختم نمی شود و آنان عبادت را به گونه ای معنا می کنند که برخی از اعمال مسلمانان همچون استغاثه، ذبح، تبرک و غیره نیز از مصادیق عبادت به شمار می آید و در نهایت بر شرک بودن آن اعمال حکم می کنند.

به عنوان مثال ابن عثیمین از علمای وهابی می نویسد: «"العبادة اسم جامع لكل ما يحبه ا ويرضاه من

الأقوال والأعمال الباطنة والظاهرة":[3]عبادت اسمی جامع برای اقوال و اعمال ظاهری و باطنی است که خداوند آنها را دوست دارد و به آن خشنود است». همانطور که مشاهده می شود، وی تنها «نهایت محبت» و «نهایت تواضع» را از ارکان عبادت می داند و در تعریف عبادت چیزی غیر آن شرط نمی داند.[4]

نتیجه اینکه وهابیان، در تعریف عبادت نیت خضوع و اظهار بندگی در برابر رب و اله را شرط نمی دانند و عابد به صرف اینکه در برابر کسی خضوع کند، وی را عبادت کرده است.

تعریف عبادت از منظر علمای امامیه:

با مراجعه به کلمات علمای شیعه در تعریف توحید، روشن می شود که عبادت نزد آنان به معنای اظهار عبودیت و خضوع در برابر کسی است که او را رب و سید و اله خویش می داند و با چنین نیتی است که او را عبادت می کند. در ادامه عباراتی از چند تن از علمای شیعه در تعریف عبادت بیان می شود:

شیخ طوسی در تعریف عبادت می فرماید:

«وأما العبادة فهي ضرب من الشكر لانها غاية ليس وارءها شكر ويقترن به ضرب من الخضوع ولا يستحق العبادة إلا ا لانها تستحق باصول النعم من الحياة والقدرة ..؛[5]عبادت نهایت شکر است و بالاتر از او شکری نیست و به همراه هر عبادتی نوعی از خضوع است. کسی جز خداوند استحقاق عبادت شدن را ندارد؛ زیرا به سبب اصول نعمت ها از جمله حیات و قدرت و ..، استحقاق عبادت شدن در کسی یا چیزی ایجاد می شود».

مرحوم شیخ طوسی عبادت را تشکری خاضعانه در برابر معبود می داند و معلوم است که اظهار شکر و خضوع در برابر معبود به دلیل نعمت هایی است که وی به عابد خویش رسانده است و عابد نیز به خاطر آن نعمت ها، بندگی و خضوع خویش را در برابر پروردگارش اظهار می کند و با این نیت است که او را پرستش می کند.

مرحوم بلاغی در تعریف عبادت می نویسد:

«أَلاّ نَعْبُدَ إِلاّ اللّهَ.. و هذه الكلمة هي أن لا نخضع خضوع العبد لإلهه من حيث انه إله؛[6]

ترجمه: معنای این آیه "أَلاّ نَعْبُدَ إِلاّ اللّهَ" این است که در برابر کسی غیر از خداوند

خضوع نکنیم، همانند خضوع بنده در برابر خدای خود از آن جهت که او را خدا می داند».

با توجه به این عبارت، روشن می شود که از نظر مرحوم بلاغی، هر خضوعی عبادت نامیده نمی شود؛ بلکه آن خضوعی عبادت است که در برابر مقام الوهیت باشد و با این نیت که اله اوست، در برابر او تعظیم می کند.

مرحوم علامه سید محسن امین در تعریف عبادت می نویسد:

«فالعبادة بمعناها اللغوي الذي هو مطلق الذل و الخضوع و الانقياد ليست شركا و لا كفرا قطعا و الا لزم كفر الناس جميعا من لدن آدم إلى يومنا هذا لأن العبادة بمعنى الطاعة و الخضوع لا يخلو منها أحد فيلزم كفر المملوك و الزوجة و الولد و الخادم و الأجير و الرعية و الجنود باطاعة المولى و الزوج و الأب و المخدوم و المستأجر و الملك و الأمراء و جميع الخلق لاطاعة بعضهم بعضا بل كفر الأنبياء لاطاعتهم آباءهم و خضوعهم لهم».[7]

ترجمه: «عبادت به معنای لغوی آن که به معنای مطلق خضوع و خاکساری و اطاعت است، شرک و کفر نیست؛ وگرنه لازم می آید همه انسان ها از اول خلقت تاکنون کافر باشند؛ زیرا هیچ کسی نیست که از عبادت به این معنا برکنار باشد و بر این اساس باید مملوکان، زنان، فرزندان، خادمان، اجیران، مردم و سربازان به سبب اطاعت برخی نسبت به برخی دیگر، کافر باشند. بلکه لازم است انبیاء به سبب اطاعت از پدارن خویش و خضوع در برابر آنان، به کفر مبتلا شده باشند».

از این عبارات مرحوم امین و دیگر عبارات وی به روشنی می توان فهمید که هر خضوعی را نمی توان عبادت نامید و تنها خضوعی شرک است و عبادت غیر خدا محسوب می شود که مورد نهی شارع باشد؛ مثل سجده در برابر غیر خدا که مورد نهی است.[8]

علامه طباطبائی در تعریف عبادت می نویسد:

«فحقيقة العبادة نصب العبد نفسه في مقام الذلة والعبودية وتوجيه وجهه إلى مقام ربه؛[9] پس حقیقت عبادت عبارت است از اینکه بنده خود را در مقام ذلت و عبودیت قرار دهد و به مقام ربوبیت پروردگار خود رو کند».

در این تعریف نیز مشخص می شود که هر خضوعی عبادت نیست؛ بلکه خضوعی عبادت است که در برابر مقام ربوبیت انجام می شود.

آیت ا سبحانی در تعریف عبادت می نویسد:

«هی الخضوع عن اعتقاد بالوهیّة المعبود و ربوبیّته و استقلاله فی فعله؛[10]عبادت خضوعی است که از سر اعتقاد به الوهیت و ربوبیت و مستقل بودن معبود انجام می گیرد».

این عبارت را می توان جامع ترین تعریف از عبادت دانست؛ چرا که هم به مقام الوهیت معبود که همان مقام شایستگی برای پرستش است اشاره دارد؛ هم ربوبیت معبود و علت شایسته بودن او برای پرستش را بیان می کند؛ هم استقلال معبود در افعالی که انجام می دهد را بیان می کند و به علت شایسته بودن او نسبت به مقام ربوبیت را تبیین می کند.[11]

خلاصه اینکه با این بیان، تفاوت دیدگاه امامیه با وهابیت در تعریف عبادت روشن گردید و معلوم شد در دیدگاه علمای امامیه هر خضوعی عبادت نمی باشد بلکه عبادت عبارت است از خضوعی که تنها در برابر اله و رب انجام می شود.

نتیجه بحث:

با توجه به آنچه به عنوان دیدگاه علمای شیعه در باب تعریف عبادت بیان شد، روشن می شود که توسل به اولیای الهی و درخواست از آنان، هیچ منافاتی با توحید ندارد و مصداق عبادت غیر ا واقع نمی شود؛ زیرا درخواست کننده نه برای اولیای الهی مقام الوهیت قائل است و نه آنان را ارباب خودش می داند و نه به مالکیت و استقلال آنها در افعالشان باور دارد. بلکه وی اولیای الهی را ماذون از طرف خداوند می داند و هیچ استقلالی برای آنان معتقد نیست و در نتیجه چنین کسی حتی اگر نهایت خضوع و محبت را در برابر اولیاء انجام دهد، موحد است و درخواست وی از آنها مصداق عبادت غیر ا نمی تواند به حساب بیاید.

……..

[1] ابن عبدالوهاب، محمد، کشف الشبهات، ص3.

https://www.alwahabiyah.com/fa/Articleview/214/ [2]

[3]ابن العثيمين، محمد بن صالح، مجموع فتاوى ورسائل، ج7، ص330.

[4]«فالعبادة مبنية على هذين الأمرين: غاية الحب، وغاية الذل»؛ همان، ج3، ص218.

[5]الشيخ الطوسي، محمد بن حسن بن على بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، ج2، ص82./ مرحوم طبرسى نيز در كتاب مجمع البيان همانند شيخ طوسى عبادت را معنا كرده است: مجمع البيان في تفسير القرآن - ط مؤسسة الأعلمي للمطبوعات نويسنده : الشيخ الطبرسي، جلد : 1 صفحه : 63.

[6]بلاغى نجفى محمد جواد، آلاء الرحمن في تفسير القرآن، بنياد بعثت، قم، چاپ اول، 1420ق، ج1، ص295.

[7]الأمين، السيد محسن، أعيان الشيعة، ج11، ص55.

[8]نک: همان، ج11، ص56.

[9]الطباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، ج18، ص388.

[10] سبحانى؛ جعفر، التوحيد و الشرک فى القرآن الكريم، ص69.

[11] قاضى زاده، حسين، توحيد عبادى در مكتب اهل بيت، ص33.

منبع: پايگاه تخصصى وهابيت پژوهى و جريانهاى سلفى